

تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی

محمد گنجی^۱، محسن نیازی^۲، اسما عسکری کویری^۳

چکیده

توجه به فرهنگ شهروندی و آموزش آن، رویکردی نوین است که بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته به آن پرداخته‌اند و نتایج مؤثر آن در توسعه‌ی پایدار، رفاه و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی، باعث شده که کشورهای در حال توسعه نیز ضرورت آن را درک کرده و زمینه‌ی آموزش و تحقیق آن را فراهم آورند.

هدف از این تحقیق، بررسی فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی توسط شهرداری شهر آران و بیدگل است. در این مقاله فرهنگ شهروندی با ابعادی چون مسؤلیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین و مقررات سنجیده شده است. روش تحقیق، پیمایشی است و نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۸۰ نفر از شهروندان شهر آران و بیدگل هستند و پرسش‌نامه‌ها به صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای بین شهروندان تقسیم شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد که بین آموزش‌های شهروندی با میزان پای‌بندی به فرهنگ شهروندی رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد و آموزش آموزه‌های شهروندی نقش مؤثری در پای‌بندی مردم به فرهنگ شهروندی داشته است. طبق نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، یعنی ضریب همبستگی (۰/۱۷)، بین آموزش‌های شهرداری با میزان پای‌بندی به فرهنگ شهروندی در جامعه رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش‌های شهرداری می‌تواند در افزایش میزان

m.ganji@kashanu.ac.ir

niazim@kashanu.ac.ir

asma.asghari@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۱۶

^۱- دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

^۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان

^۳- دانشجوی دکترای بررسی مسایل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان

تاریخ وصول: ۹۳/۲/۱۴

پایبندی مردم به فرهنگ شهروندی نقش بسزایی داشته باشد. همچنین، از میان ابعاد سه‌گانه‌ی آن، آموزش‌های شهرداری در افزایش میزان مسؤلیت‌پذیری شهروندان، با ضریب همبستگی (۰/۳۳)، بیش‌تر نقش داشته است اما در مورد ابعاد مشارکت جویی و قانونمندی همبستگی معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ شهروندی، مشارکت، مسؤلیت‌پذیری، رعایت قوانین، آموزش شهروندی

مقدمه

انسان‌ها زمانی که تصمیم گرفتند برای تأمین نیازهای خود به صورت جمعی، در کنار یکدیگر زندگی کنند، کم‌کم دانستند که زندگی اجتماعی نیازمند رعایت اصول و وظایفی است (نیازی و فیضی، ۱۴:۱۳۸۹)، که امروزه تحت عنوان اصول شهروندی شناخته می‌شود. اصولی که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسؤلیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی را برای تعامل میان افراد، گروه‌ها و نهادها فراهم می‌کند و در قالب فرهنگ شهروندی برای افراد درونی می‌شود (فاطمی-نیا، ۳۵:۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی، مقوله‌ای فرهنگی بوده و مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و توانمندی‌های اکتسابی تک‌تک افراد جامعه را در بر می‌گیرد و با تصحیح رفتارها، زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه‌ی جامعه فراهم می‌کند (تویاس، ۱۹۹۷).

فرهنگ شهروندی به مثابه‌ی نوعی فرآیند از قرن ۱۹ میلادی، همگام با جوامع مدنی و دولت‌های ملی شکل گرفته است. این پدیده با جدی شدن مسأله‌ی جهانی شدن در دهه‌های اخیر از مهم‌ترین مسائل اجتماعی معاصر می‌باشد چرا که لازمه‌ی حل مسائل شهری، بحران‌های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ مناسب شهروندی و شهرنشینی است (شربتیان، ۱۲۰:۱۳۸۷). آموزش فرهنگ شهروندی، مهم‌ترین عامل مؤثر در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تأمین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه به شمار می‌رود؛ از این رو در جوامع منزلتی یگانه یافته است و مبتنی بر ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که بر روابط اجتماعی میان مردم حاکم است.

شرط اساسی شکوفایی و بالندگی هر جامعه‌ای، در توسعه‌ی سرمایه‌های انسانی نهفته

است (فتحی و اجارگاه و دیبا، ۱۳۸۵: ۳۴)؛ از این رو، آموزش و بویژه آموزش فرهنگ شهروندی عامل اساسی در ارتقای فرآیندهای توسعه به شمار می‌رود و دغدغه‌ی اصلی مسئولین و برنامه‌ریزان در بسیاری از کشورهای جهان، آماده ساختن شهروندان فعال برای مشارکت در یک زندگی مدنی است (ذکایی، ۱۳۸۲: ۱۳). قطعاً، آموزش شهروندی بر اساس حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در یک کشور، به ایجاد جامعه‌ای آزاد، شکیبا و منصف معطوف است که در آن، ارزش‌های عامه‌ی مردم رعایت می‌شود (صدر السادات و صدر السادات، ۱۳۹۱: ۶۹). ارتقای سطح فرهنگ شهروندی شامل بهبود قوانین و مقررات فرهنگی و اجتماعی، ارائه‌ی آموزش‌های لازم به مردم برای آگاهی از حقوق اجتماعی خود، دیگران و تعیین معیارهایی برای رفتار صحیح افراد است (هاشمیان‌فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۰). یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند باعث گسترش فرهنگ شهروندی و توسعه‌ی ساختار سازمانی شهری در بین افراد شود، شهرداری‌ها می‌باشند. زیرا، از جمله نهادهایی هستند که برای حفظ و جهت‌دهی توسعه‌ی شهر، ارتقای تعاملات فرهنگی و بقای فرهنگ شهروندی در جامعه‌ی مدنی، اصلی ضروری و انکارناپذیر به شمار می‌روند (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۶۷). پژوهش حاضر درصدد است تا به سؤالات زیر پاسخ گوید:

-میزان پایداری به فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

-میزان آموزش‌های شهرداری در شهر آران و بیدگل را در زمینه‌ی آموزش شهروندی چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

-آیا بین میزان پایداری به فرهنگ شهروندی با آموزش‌های شهرداری رابطه‌ای وجود دارد؟

مبانی نظری

منشأ ایده‌ی شهروندی همانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی در یونان باستان یافت می‌شود. اثر ارسطو، اولین تلاش نظام‌مند برای طرح یک نظریه در مورد شهروندی

می‌باشد؛ در حالی که، اولین تجلی نهادی تجربه‌ی شهروندی در دولت-شهرهای یونان و بویژه در شهر آتن، از قرن پنجم تا قرن چهارم قبل از میلاد یافت شده‌اند؛ اما شکل و کارکرد شهروندی یونانی‌ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره‌ی مدرن بود. از این رو، تاریخ‌دانان عموماً توسعه‌ی شهروندی را به مراحل مجزا تقسیم می‌کنند تا تغییر معنای این مفهوم را از منشأهای آن، در جهان باستان تا دوره‌ی مدرنیته و فراسوی آن نشان دهند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۵).

اصطلاح شهروندی اولین بار در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مطرح شد و شاید انگیزه‌ی اصلی تعریف این واژه در ادوار باستان به نوعی رجحان شهروندان قلمرو یک دولت یا فئودال بر بیگانگانی بوده است که در قلمرو آن دولت یا فئودال سکونت داشته‌اند. شهروند، عضو یک اجتماع سیاسی است که از مزایا و نیز مسؤولیت‌های وابسته به این عضویت برخوردار است؛ به عبارت دیگر، شهروندی برخوردار از برخی حقوق به ازای قبول پاره‌ای از تکالیف است (موشار و دورماگن، ۱۳۸۹: ۱۲۰). شهروندی یک قرارداد اجتماعی است که هدف اصلی آن ارتقای رفاه و امنیت در سطح جامعه است و ضرورتاً به این امر می‌پردازد که افراد یک جامعه چگونه باید رفتار کنند تا به این هدف برسند. از نظر ترنر شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و الزامات اجتماعی است که به افراد هویت رسمی و قانونی می‌دهد. شهروندی مفهوم جدیدی است که بر اساس زندگی شهری در جوامع مدنی شکل گرفته است (کوهن و کندی، ۲۰۰۰: ۸۲). همان‌طور که کراجنیک^۴ می‌گوید، شهروندی مقوله‌ای است که باید آموخته شود و این امر زمانی اتفاق می‌افتد که فرصت‌های مناسب برای آن وجود داشته باشد (فتحی و اجارگاه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۸).

جامعه‌شناسان کلاسیک خصوصاً وبر، دورکیم و تونیس نوعی هویت، عضویت و تعهد عقلانی، عرفی و مدنی جدید برای اعضای جامعه در قالب پدیده‌ی شهروندی پدید آوردند که به مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک و احساس تعلق اجتماعی بیش‌تر به جامعه منجر می‌گردد و نهایتاً به تقویت انسجام اجتماعی و نظم

اجتماعی می‌گراید. از این منظر شهروندی عقلانی و بری، شهروندی مدنی و عرفی دورکیمی و شهروندی عرفی و گزلفاشفتی تونسی معنا پیدا می‌کند. البته در این میان، نوع نگاه مارکس به شهروندی تابع نظریه اجتماعی-سیاسی خاص خودش می‌باشد. نگرش مارکس، به نوعی مشارکت سیاسی تمام عیار غیر بورژوایی، در یک جامعه‌ی مدنی انقلابی است که فقط پس از فروپاشی جامعه‌ی سرمایه‌داری امکان تحقق پیدا خواهد کرد؛ اما بخش اعظم جامعه‌شناسی مدرن شهروندی، ادامه‌ی مسیر طرح شهروندی و بری و دورکیمی تلقی می‌شود (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۲: ۳۲). پارسونز نیز در قالب مفهوم شهروندی اجتماعی مدرنیستی، چنین خط فکری را دنبال کرده است. وی با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام‌گرایی، بی‌طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه‌ی مبتنی بر قرار داد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه می‌کند. در مجموع طرح نظری شهروندی و بری، دورکیمی و پارسونزی یکی از رویکردهای سه‌گانه‌ی مطرح در جامعه‌شناسی شهروندی است که تأکید آن بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است.

مارشال نیز با بررسی و تحلیل تاریخی- اجتماعی شکل‌گیری پدیده‌ی شهروندی در غرب طی سده‌های هفده تا بیست میلادی به طرح ابعاد سه‌گانه‌ی شهروندی پرداخته است. از دیدگاه مارشال شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن را به تمامی اعضا اهدا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه، حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۲: ۴۰) و به موجب آن، در برابر جامعه و یکدیگر مسؤول هستند. مارشال بر آن است که این حقوق دارای سه بعد اجتماعی اساسی شامل حقوق مدنی و شهروندی مدنی، مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده، حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی، مانند حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی رفاهی و شهروندی

اجتماعی شامل رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، امنیت و مانند آن است (فتحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

به نظر مارشال جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی در غرب نشان می‌دهد که به موازات گسترش نهادسازی‌ها و بستر سازی‌های ساختاری حقوقی، سیاسی و اجتماعی، ما شاهد شکل‌گیری سه نوع به هم پیوسته از شهروندی، یعنی مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی بوده‌ایم. در سده‌ی هفده و هجده میلادی به موازات تحول در نظام حقوقی، دسترسی به دادگاه‌ها و حق برخورداری از قضاوت عادلانه و منصفانه، شهروندی مدنی شکل گرفته است. در سده‌ی هجده و نوزده نیز نهاد سازی‌های دموکراتیک به توسعه حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی منجر شده است و نهایتاً با پیدایی دولت رفاه در سده‌ی بیستم، حق شهروندی اجتماعی، یعنی برخورداری از رفاه همگانی پدید آمده است. به طور کلی، جامعه‌شناسی تاریخی شهروندی مارشال و بویژه نظریه‌ی ابعاد اجتماعی شهروندی وی، یعنی شهروندی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی، بخش اساسی جامعه‌شناسی شهروندی محسوب می‌شود.

با توجه به آن‌چه گفته شد، شهروندی دارای ابعاد و قلمروهای مختلفی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ شهروندی که به بعد فرهنگی آراستگی دارد، میراث فرهنگی مشترک را می‌شناسد، برای حقوق اجتماعی اقلیت‌ها احترام قائل است، به ارزش‌های فرهنگی جامعه پایبند است و در عین حال برای تحمیل این ارزش‌ها به افراد دیگر اقدام نمی‌کند. قلمرو سیاسی شهروندی، متضمن حق رأی، مشارکت سیاسی، برپایی انتخابات آزاد، فرصت و حق دست‌یابی آزادانه به مناصب سیاسی است. بعد اجتماعی شهروندی نیز، رفاه و تأمین اجتماعی برای شهروندان، تأمین حداقل‌های آموزشی- بهداشتی و رفاه اقتصادی را شامل می‌شود و تلاش برای ایجاد عدالت و برابری جنسی، حساسیت نسبت به مسائل و مشکلات اجتماعی، تلاش در جهت ایجاد امنیت اجتماعی و رفاه، سواد-آموزی، سلامت و بهداشت عمومی از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد اجتماعی شهروندی است. قلمرو اقتصادی شهروندی، به ارتباط میان افراد در درون یک ساختار اجتماعی تأکید می‌کند، امنیت اجتماعی، فرصت شغلی و کار، امرار معاش و گذراندن آبرومندانه

زندگی و برخورداری از یک محیط سالم اجتماعی از مصادیق بعد اقتصادی شهروندی است و حیطة مدنی شهروندی به شیوه‌ی معمول و متعارض که در یک جامعه، شهروندان اهداف عمومی و اجتماعی خود را تعریف و تعقیب می‌کنند، اطلاق می‌گردد (اسلامی و نیازی، ۱۳۸۹: ۲۳). در واقع، این حیطة در برگیرنده‌ی رابطه‌ی بین مردم و دولت از یک سو و مردم با نهادها و سازمان‌های غیر دولتی از سوی دیگر می‌باشد. آزادی بیان و دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات و آزادی تشکیل سازمان‌های غیر دولتی از جمله مهم‌ترین مصادیق آن به شمار می‌رود؛ بنابراین، شهروند خوب، کسی است که در تمامی این حوزه‌ها و قلمروها از حقوق و وظایف خویش آشنا باشد و همواره تلاش کند تا به بهترین نحو به انجام وظایف خویش بپردازد (همات و استاهلی، ۲۰۱۱).

گراهام نیز، مؤلفه‌های رفتار شهروندی را در ابعاد مختلف، به گونه‌ای مطرح می‌کند که اینکلز^۶ (۱۹۶۹)، از آن به عنوان نشانگان شهروند فعال^۷ و هابرماس به عنوان عضویت کسب شده یاد می‌کند. بعد اول: اطاعت یا احترام به قوانین، فرآیندها و ساختارهای نظم یافته است یعنی شهروندان برای اطاعت از قوانین موجود که مدافع و حامی آنان است، مسؤول هستند. مؤلفه دوم: وفاداری است که شهروندان باید به منافع دیگران و جامعه توجه نمایند. شهروندان وفادار و مسؤولیت‌پذیر، ارتباطات خود را با دیگران توسعه می‌دهند و برای تلاش‌های اضافی در جهت خیر عمومی، داوطلب می‌شوند. مؤلفه سوم: مشارکت است. فردی که علاقه‌مند به مشارکت است، خود را از اخبار و اطلاعات آگاه و مطلع نگه می‌دارد، ایده‌های خود را با دیگران تقسیم می‌کند، درباره‌ی موضوعات مختلف وارد بحث و گفتگو می‌شود. در انتخابات رأی می‌دهد و دیگران را تشویق می‌کند که این‌چنین باشند (زارع، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

جانوسکی (۱۹۹۸) نیز معتقد است که وقتی شهروند فعال در عرصه‌ی خصوصی، سازمان کارآ و اثربخش در عرصه‌ی عمومی و حاکمیت خوب در عرصه‌ی دولت شکل گرفت و

5- Hamatt & Staeheli

2- Inkeles

3- Active citizenship syndrome

به هم پیوند خورد، فرهنگ شهروندی شکل می‌گیرد و آنچه این عرصه‌ها را به هم پیوند می‌دهد، حقوق و تعهداتی است که به طور اخص، نسبت به همدیگر و به طور اعم، نسبت به جامعه دارند. هر چه یک جامعه به سوی شهروندی فعال، سازمان کارآ و حاکمیت خوب پیش برود، آن جامعه بیش‌تر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸).

فرهنگ شهروندی، متأثر از سازه‌ای انسان‌ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد می‌سازد، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده اما، همواره تعیین‌کننده‌ی شیوه‌ی زندگی و شکل دهنده‌ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی بوده است (کفاشی، ۱۳۸۷) و احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک و همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی را به دنبال داشته است. از این رو، می‌توان گفت فرهنگ شهروندی یک مفهوم وسیع است که با روح جمعی قرابت دارد و در بردارنده‌ی یادگیری اصول زندگی اجتماعی شامل کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است.

در واقع، فرهنگ شهروندی، علاوه بر زمینه‌های سیاسی، بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسائل سنتی نظری جامعه‌شناسی، مثل شرایط یگانگی، همبستگی اجتماعی و روحیه‌ی قانونمندی ناظر است (هاشمیان‌فر و گنجی، ۱۳۸۸). روحیه‌ی قانون‌گرایی و احترام قلبی به قانون، ضمن آن‌که ضمانتی برای اجرای قانون است، زمینه‌ی نهادینه شدن احترام به حقوق شهروندی و قانون‌مداری را فراهم می‌آورد و بیان‌گر تمایل و گرایش همه‌ی آحاد جامعه به قانون است. یکسان اجرا شدن قانون درباره‌ی همه افراد بدون توجه به نسب، مقام، ثروت و قدرت در جامعه و مساوی بودن همه در برابر آن نشانه‌ای از همین روحیه‌ی قانون‌مداری در بین شهروندان و پایبندی به فرهنگ شهروندی است (فتیحی و ثابتی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). ویژگی‌های کلی که می‌توان برای فرهنگ شهروندی برشمرد عبارتند از: فرهنگ شهروندی یک کلیت است و از عناصر مختلف و متعدد تشکیل شده است، محصول جمعی است و توسط جامعه ساخته می‌شود، تاریخ‌مند است، بدین معنی که از نسل‌های گذشته به نسل‌های امروز و از آن‌ها به نسل‌های آینده منتقل می‌شود،

پایدار است به این معنا که عناصر مختلف آن به سختی و در دراز مدت، دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شود، یک طیف است، یعنی این‌که فرهنگ شهروندی در مقابل بی‌فرهنگی قرار نمی‌گیرد، بلکه از جنبه‌های مختلف درجات متفاوتی به خود می‌گیرد (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۵).

بنابراین هر جامعه‌ای باید سعی در غنی‌سازی فرهنگ شهروندان خویش داشته باشد تا بتواند به توسعه و پیشرفت دست پیدا کند. اعتلای فرهنگ شهروندی جز با آموزش و آگاهی بخشیدن از حقوق، وظایف و مفاهیم اصلی مربوط به شهروندی و رفتار مناسب در مورد وظایف ممکن نیست؛ بنابراین، رشد و آماده‌سازی شهروندان برای زندگی از اهداف مهم نهادهای مختلف اجتماعی از جمله شهرداری‌ها است (الباس^۸، ۲۰۱۰).

پرورش شهروند فعال و مؤثر، خواه در سطح ملی و خواه در سطح جهانی، مستلزم عزم و اراده برای تعلیم، تربیت و برنامه‌ریزی مناسب در این راستاست. میشل سدلر بر این باور است که نظام آموزشی شهروندی در هر کشوری، متأثر از مجموعه عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، فنی و اقتصادی است که هریک از آن‌ها به نوبه‌ی خود، در شکل دادن آموزش‌های فرهنگ شهروندی نقش حیاتی ایفا می‌کنند. سدلر خاطر نشان می‌کند که آموزش فرهنگ شهروندی در یک جامعه ممکن است در جهت تربیت افرادی باشد که حافظ شرایط موجود باشند و تسلیم به سرنوشت مقدر شوند یا ممکن است تربیت انسانی باشد که حاکم بر سرنوشت خود باشد و در تکاپوی زندگی مرفه و ایجاد شرایطی مطلوب قدم بردارد (آقازاده، ۱۳۸۵: ۴۷). امیل دورکیم آموزش فرهنگ شهروندی را از طریق اکتساب دانش، مهارت‌ها و ارزش‌های منتقل شده از نسل‌های بزرگسال به نسل‌های نرسیده و ناپخته برای زندگی اجتماعی تلقی می‌کند. او بر این باور است که آموزش شهروندی را در درس‌های ملموس و عینی شهرداری‌ها، مدارس و آموزشگاه‌ها باید به گونه‌ای گنجانند که فرد شهروند پس از آن آموزش‌ها بتواند با الزامات و نیازهای زندگی در جهان فردا همسازی داشته باشد.

آموزش فرهنگ شهروندی از طریق اکتساب دانش، مهارت‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد و یادگیری آن نیز می‌تواند در محیط‌های یادگیری مختلفی اتفاق بیفتد. تربیت شهروندان در جوامع مختلف با توجه به ساختار اقتصادی و فرهنگ همان جامعه صورت می‌گیرد و در نتیجه تنوع زیادی در تربیت این افراد پیش می‌آید (کدیور، ۱۳۹۱: ۱۶۱). آموزش شهروندی حائز اهمیت اساسی در زندگی است، زیرا افراد جامعه باید یاد بگیرند که به نحوی مؤثر در بهبود بخشیدن به امور گوناگون جامعه‌ی محلی، ملی و جهانی مشارکت کنند. این آموزش‌ها می‌تواند توسط خانواده، مدرسه و رسانه‌های همگانی و سایر نهادهای اجتماعی مثل شهرداری‌ها انجام بگیرد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵: ۳۶).

در مجموع می‌توان گفت، اگرچه شهروندی و مفاهیم مرتبط با آن، از دیرباز تاکنون مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است اما، دورکیم، وبر و بعد از آن‌ها مارشال به این مفهوم، معنایی تازه بخشیدند به طوری که امروزه، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف را در بر می‌گیرد که زندگی اجتماعی بدون توجه به آن ممکن نیست. در واقع، زندگی جمعی نیازمند رعایت اصول و قوانینی است که جانوسکی با عنوان فرهنگ شهروندی از آن یاد می‌کند. فرهنگ شهروندی که مجموعه توانمندی‌های اکتسابی تک تک اعضای جامعه را در بر می‌گیرد، راه و رسم چگونه زیستن را می‌آموزد؛ از این رو، آموزش فرهنگ شهروندی به طور رسمی و غیر رسمی مورد توجه همه‌ی کشورها قرار گرفته و به عنوان شرط اساسی توسعه‌ی پایدار مطرح شده است.

در این مقاله نیز بر مبنای نظریه‌ی دورکیم، بر آن هستیم تا نقش آموزش شهروندی را در درس‌های ملموس و عینی شهرداری بر بوته‌ی پژوهش بگذاریم و میزان تأثیر این آموزش‌های عملی را بویژه در مدرسه‌ی شهروندی در اعتلای فرهنگ شهروندی شهر بررسی کنیم.

پیشینه‌ی تحقیق

در راستای مطالعه فرهنگ شهروندی، پژوهش‌هایی به انجام رسیده که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های اذانی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد اشاره کرد که نشان می‌دهد، میزان پایبندی شهروندان یزدی به ابعاد سه‌گانه‌ی

شهروندی یعنی مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین و در نهایت به اصول شهروندی در حد متوسط می‌باشد. همچنین، هاشمیان‌فر و گنجی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، با استفاده از نظریه‌ها و مدل‌های گوناگون، ابعاد کمی و کیفی فرهنگ شهروندی (مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و رعایت قوانین) را در شهر اصفهان مورد بررسی قرار دادند؛ نتیجه حاصل از این پژوهش مبین آن است که میزان پایبندی شهروندان اصفهانی به اصول و هنجارهای فرهنگ شهروندی در حد متوسط است. عدم رعایت قوانین و فقدان فرهنگ همکاری از موانع عمده‌ی فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان است که مسؤولان و برنامه‌ریزان برای رفع این موانع، باید مجدانه تلاش نمایند (اذانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴).

فاطمی‌نیا نیز در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ شهروندی، محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال را در سال ۱۳۸۶ مورد مطالعه قرار داده است که نتایج آن نشان می‌دهد، دولت، سازمان، شهروندان فعال و به طور کلی فرهنگ شهروندی، مستلزم دو نوع حرکت از پایین به بالا و دیگری از بالا به پایین است و شهروندان باید برای استیفای حقوق خود، قدم در عرصه‌های مختلف اجتماعی بگذارند.

پژوهش شاه‌طالبی و همکاران (۱۳۸۸) با عنوان تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها با هدف بررسی مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی به روش توصیفی پیمایشی انجام شده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌ی ترجیح مصالح جمعی بر مصالح فردی با بار عاملی ۰/۷۷ بیش‌ترین ضریب و مؤلفه‌ی حفظ محیط زیست با بار عاملی ۰/۴ کم‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در بعد هنجارها، قدرت حل تعارض در مواجهه با دیگران و توانایی اظهار نظر در میان جمع با بار عاملی ۰/۷۲ بیش‌ترین و کم‌ترین بار عاملی مربوط به مؤلفه‌ی مسئولیت‌پذیری با بار عاملی ۰/۳۱ بوده است. در ابعاد جمعیت‌شناختی بین نظرات پاسخگویان تفاوتی مشاهده نگردید. همچنین، نتایج پژوهش حسنی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها

نشان می‌دهد که در بعد ارزشی، بیش‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه‌ی همدلی با دیگران و کم‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه‌ی روحیه پرسش‌گری و در بعد هنجاری، بیش‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه رعایت آداب معاشرت در ارتباط با دیگران و کم‌ترین میانگین مربوط به مؤلفه‌ی استفاده از اوقات فراغت است. در ابعاد جمعیت‌شناختی شامل (وضعیت تأهل، جنسیت و دانشکده‌ی محل تحصیل)، در حیطه‌ی ارزش‌ها، تنها بر اساس دانشکده‌ی محل تحصیل تفاوت معناداری وجود داشت اما، در حیطه‌ی هنجارها، در هیچ یک از ابعاد، تفاوت معناداری مشاهده نشد. در نهایت می‌توان گفت، دانشگاه به عنوان یک نهاد آموزشی و فرهنگی توانسته است نقش مهمی در جامعه‌پذیری افراد داشته باشد، زیرا سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان، میانگین متوسط به بالا را نشان می‌دهد.

مقاله‌ی اثرات اخلاق اسلامی بر فاکتورهای شغلی مبتنی بر مهندسی فرهنگی رفتار شهروندی سازمانی، از قربانی و صادقی در سال ۱۳۹۰، بیان‌گر این مطلب است که دین مبین اسلام هم در کتاب آسمانی خود و هم در روش عملی ائمه اطهار، ابعاد مختلف اخلاق و فرهنگ شهروندی، مانند مشورت کردن، وفای به عهد، ارتباط با خویشان، شهرت‌گریزی، سخن‌پسندیده، کسب و کار حلال، وقار و متانت، وفق و مدارا و غیره را مورد تأکید قرار داده است. همچنین، کتابی با عنوان درآمدی بر مناسبات حقوق و اخلاق شهروندی توسط سعد دهقان نوشته شده که در این کتاب، می‌کوشد تا به همگان یادآوری کند که چرا اخلاق و فرهنگ شهروندی مهم است و باید آن را رعایت کرد تا فرهنگ شهروندی سالم به ارمغان آید.

شیانی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران، به این موضوع می‌پردازد که شهروندی برای نسبت قابل توجهی از افراد در شهر تهران معنادار و قابل درک نبوده و آگاهی نسبت به حقوق، عمل به وظایف و برخورداری از احساس شهروندی با عوامل باز دارنده در جامعه مواجه است. همچنین، از نظر شیانی، شهروندی به خودی خود، درمان نیست اما، زیربنای محکم، چارچوب کنترل‌کننده و کاهش‌دهنده‌ی بسیاری از مشکلات و مسائل شهری در جامعه‌ی دموکراتیک و در شهرهای شهروند مدار

است که بخشی از این چارچوب می‌تواند با تدوین و به اجرا در آمدن برنامه‌ی جامع آگاه‌سازی در شهر تهران پی‌ریزی شود.

مقاله‌ی فکوهی (۱۳۸۸) نیز در مورد تقویت اخلاق و فرهنگ شهروندی، با عنوان راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی بیان‌گر آن است که ایجاد اخلاق شهروندی نمی‌تواند از صفر شروع شود. هیچ فرهنگ و اخلاقی را در هیچ زمینه‌ای نمی‌توان با حرکت از صفر و بدون پشتوانه و مواد خام ضروری بر پا کرد. در این میان، هر اندازه پشتوانه‌های ما قوی‌تر و پر بارتر باشند، احتمال دستیابی به هدف غایی، یعنی تبیین یک اخلاق شهروندی مناسب خود و امکان گسترش و رواج یافتن این اخلاق بیش‌تر می‌شود. کشور ایران دارای منابع متعدد و غنی شامل (دین، سنت، تنوع‌زبانی، قومی و غیره) در زمینه‌ی ایجاد و گسترش اخلاق و فرهنگ شهروندی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

پژوهشی توسط هیکز و هولدن^۹ در سال ۱۹۹۹ انجام گرفته است که نتایج آن نشان داد، بچه‌ها بین سنین ۱۱ تا ۱۴ سالگی به طور افزایشی نسبت به مسائل و مباحثی همچون تنوع فرهنگی، آلودگی زیست‌محیطی و مسائل جمعیتی حساس هستند که عمدتاً ریشه‌ی فراملی دارند؛ آموزش‌های مناسب می‌تواند این میل به یادگیری را با هدایت صحیح و منطقی به سر منزل مقصود برساند. بررسی‌ای که مؤسسه بین‌المللی ارزشیابی موفقیت تحصیلی (۲۰۰۱) در مورد تربیت شهروندی بر روی نوجوانان ۱۴ ساله انجام داد، نشان می‌دهد که در بیش‌تر کشورها درکی که نوجوانان از ارزش‌های شهروندی دارند غالباً سطحی و کم مایه است (قائدی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

با توجه به اهمیت مباحث نظری و تجربی فوق، پژوهش حاضر به عنوان مکمل پژوهش‌های داخلی در زمینه فرهنگ شهروندی انجام شده است. در واقع، پژوهش حاضر به تحلیل فرهنگ شهروندی شهر آران و بیدگل با توجه به نقش آموزش‌های شهروندی شهرداری در این شهر می‌پردازد و سعی دارد میزان اهمیت درس‌ها و آموزش‌های عملی در حیطه‌ی شهروندی را که بخصوص در مدرسه شهروندی انجام

می‌شود و دورکیم نیز بر اهمیت این آموزش‌ها تأکید بسزایی دارد، مورد تحقیق و پژوهش قرار دهد؛ بنابراین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین و مورد بررسی قرار گرفته است:

- میزان پایبندی به اصول فرهنگ شهروندی، کمتر از حد متوسط است.
- میزان آموزش شهرداری در زمینه‌ی اصول شهروندی، کمتر از حد متوسط است.
- بین آموزش‌های شهرداری و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین سن و مخارج خانواده‌ها با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه وجود دارد.
- میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی بر حسب متغیرهای جنس، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال متفاوت است.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، سعی بر آن است تا میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی با تأکید بر آموزش‌های شهروندی، مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. این تحقیق کمی و از نوع پیمایشی می‌باشد که در سال ۹۲-۱۳۹۱ در شهر آران و بیدگل صورت گرفته است. جمعیت آماری مورد نظر در این تحقیق، کل جمعیت ۶۹-۱۵ ساله‌ی شهر آران و بیدگل می‌باشد و نمونه‌ی مورد مطالعه ۱۸۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران، این حجم نمونه به دست آمده و از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسش‌نامه بوده است. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی صوری و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ قابل قبول تعیین شده است. داده‌ها پس از کدگذاری با نرم افزار spss پردازش و با آماره‌های توصیفی و استنباطی (آزمون t-test، همبستگی پیرسون و غیره) تجزیه و تحلیل شده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا به توصیف مفاهیم اصلی پژوهش و پس از آن به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

در این قسمت، مشخصات فردی پاسخگویان ارائه و سپس مفهوم فرهنگ و آموزش

شهروندی توصیف شده است.

۱- مشخصات فردی

از مجموع پاسخگویان مورد بررسی (۴۳/۶) درصد مرد و (۵۶/۴) درصد از آن‌ها زن می‌باشند که از این تعداد، (۵۲/۹) درصد مجرد و (۴۷/۱) درصد متأهل هستند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۲۶ سال است. از نظر وضعیت تحصیلی (۱۱/۸) درصد تحصیلات خود را ابتدایی، (۲۲/۵) درصد سیکل، (۳۶/۳) درصد دیپلم، (۲۴/۵) درصد فوق دیپلم و لیسانس، (۴/۰) درصد فوق لیسانس و بالاتر و (۰/۹) درصد تحصیلات خود را حوزوی بیان کرده‌اند.

۲- توصیف اصول فرهنگ شهروندی

در این مقاله، فرهنگ شهروندی به معنای اصول حاکم بر رفتار شهروندان، در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که احساس مسئولیت، تعهد، احترام به قوانین و مقررات شهر و همچنین مشارکت در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به دنبال دارد (هاشمیان‌فر و عجمی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.74$) مورد تأیید قرار گرفته است و بر اساس سه بعد در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است که عبارتند از:

مسئولیت‌پذیری: احساس تعهد در برابر فرزندان و سایر اعضای خانواده، قبول مسئولیت در زندگی زناشویی، انجام وظایف به نحو احسن، حس مسئولیت در برابر اقلیت‌های دینی، قومی و زبانی، حس تعهد در برابر ارزش‌های دینی، دفاع از میهن، انجام وظایف در قبال خود و ارباب رجوع در محل کار و پایبندی به قول و قرار با اطرافیان.

مشارکت‌جویی: مشارکت اقتصادی (سرمایه‌گذاری در داخل کشور)، مشارکت در امور سیاسی (شرکت در احزاب، شرکت در انتخابات)، مشارکت اجتماعی در امور خیر (جشن عاطفه‌ها، کمک کردن به یکدیگر، ترجیح منافع جمع بر منافع فردی)، مشارکت فرهنگی (مشارکت خانواده‌ها در توسعه‌ی مدرسه‌ی شهروندی، مشارکت در جشن‌ها و هیأت‌ها).

رعایت قوانین و مقررات: عدم رشوه دادن و رشوه گرفتن، رعایت قانون در انجام وظایف، عدم احتکار و کم فروشی، عدم پارته‌بازی و چاپلوسی در کار، پرداختن عوارض و مالیات، رعایت قوانین انتظامی، توهین نکردن به سیاستمداران و مسئولان، اجرای یکسان قانون برای همه.

جدول شماره ۱- آماره‌های قابل مقایسه میزان پایبندی به اصول فرهنگ شهروندی در بین پاسخگویان

ابعاد	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه‌ی تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
مسئولیت پذیری	۱	۳	۲	۱/۹۴	۰/۲۱	۰/۰۴	-۰/۰۳
رعایت قوانین	۱	۳	۲	۱/۸۷	۰/۳۵	۰/۱۲	۲/۱۶
مشارکت جویی	۱	۳	۲	۱/۸۹	۰/۴۳	۰/۱۸	۱/۸۸
فرهنگ شهروندی	۱	۳	۲	۱/۹۰	۰/۵۱	۰/۱۴	-۱/۱۷

با تقسیم دامنه‌ی تغییر هر یک از ابعاد مورد نظر در جامعه‌ی آماری و تقسیم آن به عدد سه با فواصل برابر، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس میزان پایبندی به اصول فرهنگ شهروندی به دست آمده است که با مقایسه‌ی میانگین‌ها مشخص می‌شود، میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان بیش‌تر از مشارکت و پایبندی آن‌ها به قوانین و مقررات است. همچنین، میانگین پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل (۱/۹۰ از ۳) بوده که منفی بودن کشیدگی آن نشان می‌دهد، توزیع داده‌ها از توزیع نرمال کوتاه‌تر است و مثبت بودن چولگی، نشان‌دهنده‌ی آن است که نمرات افراد اطراف مقادیر پایین پایبندی به فرهنگ شهروندی متمرکز است.

۳- توصیف مفهوم آموزش فرهنگ شهروندی

در این پژوهش، منظور از آموزش فرهنگ شهروندی، رشد دادن ظرفیت‌های شهروندان برای مشارکت، تصمیم‌گیری، عمل آگاهانه و مسئولانه در زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که از طرق رسمی و غیر رسمی صورت می‌گیرد (رفیعی و لطفی، ۱۳۸۹: ۴) و به ما می‌آموزد که با دیگر شهروندان چگونه ارتباط برقرار کنیم؟ به چه چیزی یا به چه کسی دل سپرده و وفادار باشیم، چگونه زندگی کنیم و مسئولیت‌پذیر باشیم. در واقع، آموزش شهروندی، مهم‌ترین عامل مؤثر در دگرگونی طرز نگرش و

رفتار بشری است. از این رو، باید همه‌ی نهادهای سازمان‌ها، نظام‌های آموزشی و شهرداری‌ها در آموزش و گسترش فرهنگ شهروندی تلاش کنند. شهرداری‌ها در کنار نظام‌های آموزشی هر جامعه‌ای، می‌توانند مهم‌ترین نقش را در آموزش صحیح این اصول ایفا کنند (همتی، ۱۳۸۷: ۳۳۲). در این مقاله، آموزش‌های شهرداری شهر آران و بیدگل با استفاده از شاخص‌هایی از قبیل تهیه‌ی پوستر، بروشور و تبلیغات آموزشی، آموزش دانش‌آموزان از طریق مدرسه شهروندی، اجرای طرح حمایت از بهترین ایده‌ها در تعلیم آموزه‌های شهروندی و ... سنجیده شده است. روایی و اعتبار طیف با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/61$) قابل قبول می‌باشد.

جدول شماره ۲- آماره‌های قابل مقایسه‌ی میزان آموزش شهروندی در بین پاسخگویان

مفهوم	کرانه پایین	کرانه بالا	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
آموزش شهروندی	۱	۳	۲	۱/۹۰	۰/۵۱	۰/۰۷	۰/۰۸

با توجه به جدول بالا، میانگین میزان آموزش شهروندی توسط شهرداری آران و بیدگل (۱/۹۰ از ۳) بوده و مثبت بودن کشیدگی، بیان‌گر این است که توزیع داده‌ها از توزیع نرمال بلندتر است و مثبت بودن چولگی، نشان می‌دهد که نمرات افراد، اطراف مقادیر پایین میزان آموزش شهروندی متمرکز است.

ب) تحلیل یافته‌ها

در این قسمت، برای اینکه نمایی از وضعیت فرهنگ و آموزش شهروندی در جامعه مشخص شود، ابتدا به مقایسه‌ی میانگین ابعاد فرهنگ شهروندی با میانگین مفروض پرداخته شده و سپس فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار گرفته است.

۳-۱. میزان پایبندی به اصول فرهنگ شهروندی در جامعه کمتر از حد متوسط است.

جدول شماره ۳- مقایسه‌ی میانگین میزان پایبندی به اصول فرهنگ شهروندی با توجه به حد متوسط

ابعاد	میانگین	میانگین مفروض (حدوسط) ۲	
		Df	T
		سطح معناداری	

مسئولیت پذیری	۱/۹۴	-۳/۶۳	۱۷۹	۰/۰۰۰
رعایت قوانین	۱/۸۷	-۴/۶۸	۱۷۹	۰/۰۰۰
مشارکت جویی	۱/۸۹	-۳/۱۶	۱۷۹	۰/۰۰۲
فرهنگ شهروندی	۱/۹۰	-۴/۵۶	۱۷۹	۰/۰۰۰

جدول بالا نشان می‌دهد، میانگین پایبندی به فرهنگ شهروندی (۱/۹۰ از ۳) بوده که با اطمینان (۹۵ درصد) و سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۰۵) تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و مفروض (حد وسط) وجود دارد، (۰/۰۰۰ سطح معناداری) و مقدار میانگین واقعی (۱/۹۰) از مقدار میانگین مفروض (۲) کمتر است؛ بنابراین میانگین فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل کمتر از حد متوسط است. همچنین، میانگین سایر ابعاد فرهنگ شهروندی کمتر از حد متوسط است و این نشان می‌دهد که میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل پایین است و در این میان، فقط میانگین واقعی مسئولیت‌پذیری (۱/۹۴) به میانگین مفروض (۲) نزدیک‌تر است و میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان نسبت به دیگر ابعاد فرهنگ شهروندی بیش‌تر است.

۲-۳. میزان آموزش شهروندی در جامعه کمتر از حد متوسط است.

جدول شماره ۴- مقایسه میانگین میزان آموزش شهروندی با توجه به حد متوسط

مفهوم	میانگین	میانگین مفروض (حدوسط) ۲	
		Df	T
آموزش شهروندی	۱/۹۰	۱۷۹	-۲/۵۴

با توجه به جدول بالا، میانگین میزان آموزش شهروندی (۱/۹۰ از ۳) بوده که با اطمینان (۹۵ درصد) و سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۰۵)، تفاوت آماری معناداری بین دو میانگین واقعی و مفروض (حد وسط) وجود دارد، (۰/۰۰۰ سطح معناداری) و مقدار میانگین واقعی (۱/۹۰) از مقدار میانگین مفروض (۲) کمتر است؛ بنابراین میزان آموزش

شهروندی توسط شهرداری در شهر آران و بیدگل کمتر از حد متوسط است.

۳-۳. آموزش شهروندی و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی

جدول شماره ۵- بررسی همبستگی بین آموزش شهرداری و میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی

متغیر	مؤلفه	سطح معناداری	مقدار رابطه
آموزش شهروندی	مسئولیت‌پذیری	۰/۰۰۰	۰/۳۳
	مشارکت‌جویی	۰/۱۶	۰/۱۰
	رعایت قوانین و مقررات	۰/۲۹	۰/۰۷
	فرهنگ شهروندی	۰/۰۱	۰/۱۷

طبق نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، یعنی ضریب همبستگی (۰/۱۷)، بین آموزش‌های شهرداری با میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در جامعه رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، آموزش‌های شهرداری می‌تواند در افزایش میزان پایبندی مردم به فرهنگ شهروندی نقش بسزایی داشته باشد. همچنین، از میان ابعاد سه‌گانه‌ی آن، آموزش‌های شهرداری بیش‌تر در افزایش میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان، با ضریب همبستگی (۰/۳۳)، نقش داشته است اما در مورد ابعاد مشارکت‌جویی و قانونمندی همبستگی معناداری وجود ندارد.

۳-۴. میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی با توجه به سن پاسخگویان و مخارج

خانواده‌های آن‌ها

جدول شماره ۶- بررسی همبستگی بین سن و میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان

مفهوم	متغیر	سطح معناداری	مقدار رابطه
فرهنگ شهروندی	سن	۰/۲۵	۰/۰۸
	مخارج خانواده	۰/۰۷	۰/۱۷

طبق نتایج به دست آمده از جدول ماتریس همبستگی، یعنی ضریب همبستگی (۰/۰۸) و (۰/۱۷)، بین میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی با سن و مخارج خانواده‌های پاسخگویان، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

۳-۵. میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی بر حسب متغیرهای جنس، وضعیت تأهل و

وضعیت اشتغال

جدول شماره ۷- تفاوت میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی بر حسب جنس و وضعیت تأهل

آزمون t			میانگین	ابعاد	متغیر
سطح معناداری	تعداد	مقدار			
۰/۰۷	۱۸۰	۱/۷۶	۱/۸۶	زن	جنس
			۱/۹۴	مرد	
۰/۷۹	۱۸۰	-۰/۲۶	۱/۹۰	مجرد	وضعیت تأهل
			۱/۹۱	متأهل	
۰/۳۷	۱۸۰	۰/۸۹	۱/۹۲	شاغل	وضعیت اشتغال
			۱/۸۷	بیکار	

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که بین میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی و متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال) تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در دوران معاصر که شهرنشینی و شهروندی از مظاهر تمدن به شمار می‌آید، بسیاری از دولت‌ها، برای تثبیت موقعیت اجتماعی و سیاسی خود، شهرنشینی، شهروندی و مباحث مرتبط با آن و نیز جهت بخشیدن به موضوع‌های مربوط به شهروندی از جمله فرهنگ شهروندی را در اولویت قرار داده‌اند. به گفته‌ی مارشال، شهروندی جایگاه، حقوق و وظایفی است که جامعه به اعضای خود می‌بخشد و قانون از آن حمایت می‌کند و به موجب آن، همه‌ی شهروندان نسبت به خود و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مسئول هستند.

جانوسکی معتقد است، زمانی که جامعه به سمت شهروندی فعال، سازمان‌کارآ و حاکمیت خوب پیش برود، آن جامعه بیش‌تر به تحقق فرهنگ شهروندی نزدیک می‌شود و فرهنگ شهروندی، مجموعه‌ای از توانمندی‌های اکتسابی افراد و راه و رسم چگونگی زیستن در جامعه را می‌آموزد. گراهام نیز پایبندی به فرهنگ شهروندی را در ابعاد سه‌گانه‌ی اطاعت و احترام به قوانین، وفاداری نسبت به دیگران و احساس مسئولیت داشتن

به نهادهای اجتماعی جامعه و مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ضروری می‌داند و اعتلای فرهنگ شهروندی را از پیش شرط‌های اساسی توسعه و تمدن شهری به شمار می‌آورد؛ بنابراین، فرهنگ شهروندی یک ضرورت اجتماعی است که باید بین شهروندان نهادینه گردد و آموزش شهروندی می‌تواند گامی مؤثر در نهادینه ساختن و گسترش فرهنگ شهروندی داشته باشد. شهرداری‌ها از جمله نهادهایی هستند که در این آموزش سهیم هستند.

با توجه به آنچه گفته شد و بنا بر ضرورت این موضوع، در این پژوهش به تحلیل میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر آران و بیدگل با تأکید بر آموزش‌های شهرداری به روش پیمایش پرداخته شده است. شهرستان آران و بیدگل با مساحت ۶۰۵۱/۳ کیلومتر مربع با جمعیتی حدود ۹۰۴۹۲ هزار نفر با دو بخش مرکزی و کویرات، چهار شهر آران و بیدگل، نوش‌آباد، ابوزید آباد و سفید شهر و سه دهستان و دوازده روستا در شمالی‌ترین نقطه‌ی اصفهان واقع شده است. شهر آران و بیدگل به عنوان مرکز شهرستان می‌باشد. این شهرستان از شمال به دریاچه‌ی نمک و استان‌های سمنان و قم و از غرب به شهرستان کاشان، از جنوب به نطنز و از شرق به اردستان محدود می‌شود و از طریق دو جاده‌ی اصلی به کاشان و از طریق کاشان به سایر راه‌های ارتباطی متصل می‌گردد و به این دلیل از نظر فیزیکی، دارای محیطی بسته می‌باشد که تنها راه ارتباطی آن از طریق کاشان میسر می‌شود. ساکنان کویر، مردمانی خون‌گرم، مهمان‌نواز و مقاوم هستند. وجود بقاع متبرکه و برپایی مجالس مذهبی در اماکن مقدس مانند امامزادگان واقع در شهر، نشان دهنده‌ی ریشه‌های عمیق دینی و فرهنگی بین مردم می‌باشد (سادات بیدگلی، ۱۳۸۷: ۶۷۱).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میزان پایبندی به هر سه بعد فرهنگ شهروندی (مسئولیت‌پذیری، مشارکت‌جویی و رعایت قوانین و مقررات)، در شهر آران و بیدگل، کمتر از حد متوسط است، این در حالی است که نتایج پژوهش‌هایی با همین عنوان، در شهر یزد و اصفهان نشان می‌دهد که میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی در این شهرها

در حد متوسط است. به عنوان نمونه، نتایج تحقیق اذانی و همکارانش نشان می‌دهد که میزان پایبندی شهروندان یزدی به اصول شهروندی در حد متوسط است. همچنین یافته‌های پژوهش هاشمیان‌فر و گنجی نیز بیان‌گر این است که عدم رعایت قوانین و فقدان فرهنگ مشارکت و همکاری در شهر اصفهان، از موانع عمده‌ی گسترش فرهنگ شهروندی در این شهر است.

مطلوب نبودن میزان مشارکت جویی شهروندان شهر آران و بیدگل در امور مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی با توجه به گویه‌های سنجش این بعد، نتیجه‌ی بی‌اعتمادی اجتماعی و یا عدم فرهنگ مشارکت در بین شهروندان است. همچنین پایین بودن روحیه قانونمندی و قانون‌گرایی را در شهر می‌توان ناشی از انواع فساد اداری، عدم شفافیت قوانین و اجرا نشدن یکسان قانون برای همه دانست. یکی از دلایل مهمی که موجب شده است، میزان پایبندی به همه‌ی ابعاد فرهنگ شهروندی در شهر آران و بیدگل کمتر از حد متوسط باشد، پایین بودن آموزش‌های شهروندی در شهر است که طبق نتایج به دست آمده، میزان آموزش‌ها نیز کمتر از حد متوسط بوده است و از آنجا که طبق آزمون همبستگی پیرسون، بین میزان آموزش و پایبندی به فرهنگ شهروندی رابطه مستقیم وجود دارد، می‌توان با افزایش میزان آموزش‌ها و آگاهی بخشیدن به شهروندان، فرهنگ شهروندی را در بین مردم نهادینه ساخت. آموزش‌های شهروندی در زمینه مسئولیت‌پذیری و احساس وفاداری به خانواده، اقوام و خویشان بیش‌تر توانسته تأثیرگذار باشد، از این رو، میانگین بعد مسئولیت‌پذیری در واقعیت (۱/۹۴)، نیز به میانگین مفروض (۲) نزدیک‌تر به دست آمده است. همچنین لازم به ذکر است که متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند جنس، سن و وضعیت تأهل در پایبندی به فرهنگ شهروندی تأثیری ندارند.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اذعان نمود که از یک طرف، نهادینه کردن و توسعه‌ی فرهنگ شهروندی در جامعه‌ی ایران با توجه به پتانسیل‌های موجود که فکوهی نیز تحت عنوان دین، سنت و تنوع زبانی از آن یاد می‌کند و ساختار در حال گذار آن، از طریق رهیافت آموزشی با شیوه‌های مختلف، دست‌یافتنی است. همان‌طور که دورکیم نیز

معتقد است، آموزش فرهنگ شهروندی باید در محیط‌های یادگیری مختلف از درس‌های ملموس و عینی شهرداری‌ها تا کتب درسی مدارس و آموزشگاه‌ها صورت بگیرد و شهروندان را با نیازهای زندگی در جهان فردا همساز کند.

از طرف دیگر، زمانی افراد جامعه حاضر می‌شوند، فرهنگ شهروندی را درونی نمایند که نسبت به محاسن و منافع آن آگاهی یابند و آن را از نزدیک لمس کرده باشند. در این زمان حاضر هستند که از بسیاری از خواسته‌ها و آزادی‌های خود بگذرند تا دیگر شهروندان نیز به راحتی زندگی کنند. همچنین، هنگامی آموزش شهروندی مؤثر است که کارگزاران جامعه خودشان، به فرهنگ و اصول شهروندی پایبند و عامل به آن باشند، در غیر این صورت، کم‌ترین اثر را خواهد داشت.



منابع

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۵). اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگی‌های این گونه آموزش‌ها در ژاپن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۴۵-۶۶.
- اذانی، مهری و حاتمی، مجتبی و حاتمی، حسین. (۱۳۹۰). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر یزد، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۲.
- اسلامی، احمد و نیازی محسن. (۱۳۸۹). مبانی حقوق شهروندی در نهج البلاغه، تهران: نشر سخنوران.
- توسلی، غلامعباس و نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۲). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی پنجم، شماره‌ی ۲، صص ۳۲-۶۲.
- حسینی، محمد و موسوی، میرنجف و حبیب‌قراتپه، سکینه. (۱۳۹۱). سنجش میزان فرهنگ شهروندی دانشجویان در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها، مطالعه‌ی موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه ارومیه، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره‌ی ۳، صص ۲۲۳-۲۴۲.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۲). جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی، فصلنامه مطالعات جوانان، شماره‌ی ۳ و ۴.
- زارع، حمید. (۱۳۸۹). رفتارهای شهروندی در جامعه دینی، فلسفه‌ی دین، سال هفتم، شماره هفتم، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- شاه‌طالبی، بدری و قلی‌زاده، آذر و شریفی، سعید. (۱۳۸۸). تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌ی ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت، سال دوم، شماره‌ی پنجم، صص ۷۳-۹۶.
- شربتیان، محمد حسن. (۱۳۸۷). تأملی بر فرهنگ شهروندی و ارائه‌ی راهکارهای گسترش آن، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره‌ی ۸ و ۹، صص ۱۱۹-۱۵۴.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۸). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸، صص ۱-۲۱.
- سادات بیدگلی، سید محمود. (۱۳۸۷). نقد مدخل آران و بیدگل در دانشنامه ایران، پیام بهارستان، شماره‌ی ۱ و ۲، صص ۶۷۴-۶۷۱.

- صدر السادات، سید جلال و صدر السادات، لیلا. (۱۳۹۱). رهنمودهایی در زمینه‌ی آموزش شهروندی دموکراتیک بر اساس حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی، فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره‌ی ۱۰ و ۱۱، صص ۶۹-۷۵.
- فاطمی‌نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- فالکس کیث. (۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه‌ی محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- فتحی واجارگاه، کورش و دیبا، طلعت. (۱۳۸۵). ویژگی‌های شهروند خوب برای جامعه-ی ایران و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی، پژوهش‌نامه‌ی علوم انسانی، صص ۳۳-۶۲.
- فتحی واجارگاه، کورش و عارفی، محبوبه و اسفندیاری، توران. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌یابی مهارت‌های زندگی مورد نیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی مدارس، فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره ۹۳، صص ۶۹-۱۰۱.
- فتحی، سروش و ثابتی، مریم. (۱۳۹۱). توسعه‌ی ساختار سازمان شهری و گسترش فرهنگ شهروندی، مطالعات شهری، سال دوم، شماره‌ی ۲، صص ۱۶۳-۱۹۶.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸). تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قائدی، یحیی. (۱۳۸۵). تربیت شهروند آینده، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۸۳-۲۱۰.
- قربانی چوبقلو، صمد و صادقی عمرو آبادی، بهروز. (۱۳۹۰). اثرات اخلاق اسلامی بر فاکتورهای شغلی مبتنی بر مهندسی فرهنگی رفتار شهروندی سازمانی، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۱ و ۶۲، صص ۲۹-۴۷.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۱). ضرورت آموزش شهروندی در جامعه‌ی جهانی، همایش جهانی شدن و تعلیم و تربیت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامع علوم انسانی، صص ۱۴۷-۱۶۶.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۷). تأثیر امکانات شهری بر فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه منطقه ۸ تهران)، فصلنامه‌ی تخصصی جامعه‌شناسی، شماره ۱۳، صص ۷۸-۱۲۰.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و

نظام ارزشی دانش آموزان، فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، ص ۱۱.

- موشار دانیل، ایودور ماگن ژان (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک گوهر، نشر آگه، تهران.
- نیازی، محسن و فیضی، فائزه (۱۳۸۹). مهارت‌های زندگی، انتشارات تهران: سخنوران.
- هاشمیان‌فر، سید علی و عجمی، شهرزاد (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه‌ای شهر اصفهان، مطالعات شهری، سال دوم، شماره‌ی ۳، صص ۲۰۹-۲۳۰.
- هاشمیان‌فر، سید علی و گنجی، محمد (۱۳۸۸). تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، شماره‌ی ۳۳، صص ۲۵-۴۴.
- همتی، مجتبی (۱۳۸۷). آموزش شهروندی، حقوق اساسی، سال هفتم، شماره‌ی ۹، صص ۳۲۱-۳۴۱.
- Alabas, Kemazan (2010). Primary School Students Conceptions Of Citizenship, Journal Procedia Social and Sciences, 2.
- Hamatt, D and L. Staeheli (2011). Respect and Responsibility: Teaching Citizenship in South Africa High Schools, International Journal of Educational Development, 31.
- Cohen, R. and Kennedy, P. (2000). Global Sociology. London: Mcmillan Prewss Ltd.
- Tobias, R (1997), The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context, Secuter Aotearo, Newzealand.